

در گفت‌وگو با دکتر نجمه کیخا به مناسبت هفته پژوهش مطرح شد

جای خالی پژوهش‌های کاربردی اسلامی

۲

جامع‌ترین کتاب معرفی خدمات و فعالیت‌های خادمان رضوی منتشر شد

رونمایی از اطلس جغرافیایی آستان قدس رضوی

کتاب «اطلس آستان»؛ راهنمای جغرافیایی آستان قدس رضوی یکی از تازه‌ترین محصولات رسانه‌ای این آستان مقدس است که اطلاعات جامع و کاملی در اختیار عموم علاقه‌مندان قرار می‌دهد.به گزارش آستان‌نیوز، در مراسمی که هفته گذشته با حضور قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی و جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی و رسانه‌ای کشور برگزار شد، هشت محصول رسانه‌ای این آستان رونمایی شد که یکی از شاخص‌ترین آن‌ها، کتاب «اطلس ...





اولاد

ویژه فرهنگ و معارف رضوی
سال اول | ویژه نامه ۲۲۵ |

موعظه/ آیت‌الله حائری شیرازی

چرا همه شاگردان آیت‌الله قاضی، بهجت و طباطبایی نشدند؟

۲

حجت الاسلام خسرو پناه به شبهه افکنی اخیر پاسخ داد

شبهات باید در جمع علمی طرح شوند نه خطبه نماز جمعه

۳

«Qardus»، به دنبال تأمین مالی کسب‌وکارهای حلال در اروپاست

استارت‌آپی برای مسلمانان بریتانیایی

۲

پنجمین اجلاس‌یه آستان‌های مقدس و بقاع متبرکه در شهر ری برگزار می‌شود

۴

توحیدیه و پندیه‌ها در اشعار گذشته مداحی مشهودتر بود

۲

منبر مجازی

صدای خدا را بشنویم



شهید مطهری | «الم یان للذین آمنوا ان تخرج قلوبهم بذكر الله و ما نزل من الحق» آیا نرسیده است آن وقتی که دل مردم باایمان برای پذیرش یاد خدا، نرم بشود؟ قساوت قلب و غفلت و بی‌خبری تا کی؟ غیبت تا کی؟ معصیت تا کی؟

این صدای خداست و مخاطبش هم ما مردم هستیم؛ ای بنده من! کی دلت برای یاد خدا خاضع و خاشع می‌شود؟ به خود بیایید درهای فکر کنید. غفلت تا کی؟

آیا وقتش فرارسیده که دل‌های ما برای خدا نرم شود و به این قرآن حقی که نازل شده است توجه و اعتنایی بهش شود؟ دلمان خوش باشد که در جلسه‌ای شرکت کنیم، مثلاً یک قطره اشکی بریزیم... والله این‌ها کافی نیست... به حال خودمان، به حال اسلامان یک فکر اساسی باید کنیم.

بچه‌ایمان از دست رفتند، جامعه‌مان از دست رفت، فکری کنیم، توبه کنیم.

مرحله اولش این است که روح آتش بگیرد مشتعل شود. خودت را غرق در حسرت ببینی. خودت را غرق در ندامت و پشیمانی ببینی.

چشم‌ت را به روی گناهانت باز کن! محاسبه اعمال کن، از خودت حساب بکش، بین روزی چند گناه کبیره مرتکب می‌شوی.

جد تو آدم بهشتش جای بود قدسیان کردند بهر او سجود یک گنه چون کرد گفتندش تمام مذنبی مذنب برو بیرون خرام تو طمع داری که با چندین گناه داخل جنت شوی ای روسیاه؟

شرط دوم این است: «العزم علی عدم العود». یک تصمیم جدی بگیر که دیگر من این کار ناشایست را تکرار نمی‌کنم.

این شعر از شیخ بهایی است البته شما را مایوس نکنم: «لا تياسوا من رحمة الله» برگردید هر چه گناه دارید خدا می‌پذیرد.

شرایط را برای گناه ذکر کردند ولی حد و اندازه برای گناه ذکر نکردند. همین مقدار که آتش درونی در روح تو پیدا بشود قبول است. همین که انقلاب درونی در روح تو پیدا بشود قبول است.

بر «عدم عود» تصمیم بگیر که دیگر کار ناشایست را تکرار نکنی، اما به شرطی که تصمیمت تصمیم باشد نه اینکه از در حسینیة رفتی بیرون فراموش کنی، این به درد نمی‌خورد. امام فرمود این کسانی که استغفار می‌کنند و استغفارشان را فراموش می‌کنند این استغفارشان بدتر است از اینکه استغفار نکنند. چون این مسخره کردن توبه است.

این‌ها دو رکن توبه است اما توبه شرط هم دارد که حقوق مردم را باید برگردانی زیرا خدا از حقوق بندگان‌ش نمی‌گذرد.

گذری بر تاریخچه شرقی‌ترین محله شهر مشهد

سفر به «پایین خیابان» ۲۰۰ سال پیش

عهده‌دار بود، در محله پایین‌خیابان ساکن می‌شد. از صاحبان مشاغل عمده در پایین‌خیابان می‌توان به بناها، پالاندوزها، پيله‌کش‌ها، سقاها، شالیا‌ف‌ها، تون‌تاب‌ها، دستفروش‌ها و... اشاره کرد. با این حال، قرار گرفتن در مسیر ورودی شهر از سمت شرق، مخاطرات خودش را داشت؛ این مسیر، محل تاخت و تاز و هجوم ازبکان و بعدها ترکمانان و دیگر اقوام مهاجم به شهر مشهد بود و برخی مواقع، آن‌ها با عبور از دروازه پایین‌خیابان، به قتل و غارت ساکنان این محل می‌پرداختند. اما این دردرسرها موجب نمی‌شد که پایین‌خیابان از بناهای عمومی و مدارس فاخر تهی باشد؛ مدرسه مشهور عباسقلی‌خان شاملو، والی خراسان در دوره شاه‌عباس یکم صفوی که یکی از مشهورترین مدارس علمیه تاریخ ایران محسوب می‌شود، در ابتدای ورودی این محله از سمت حرم مطهر قرار می‌گرفت و عبور نهر نادری از میانه محله،

عموماً فقیرنشین بود. البته در آن تعدادی از افراد متمول و ثروتمند هم حضور داشتند که صاحب خانه‌های بزرگ و زیبا بودند، اما در کل، آنچه به چشم می‌آمد منازل کوچک و کوچه‌های باریک و شلوغ بود. در چنین شرایطی، شیوع بیماری‌های واگیر مانند وبا سریع‌تر اتفاق می‌افتاد. به ویژه آنکه هوای این منطقه، به دلیل تمرکز مشاغلی مانند آهن‌گری و مسگری یا مکان‌های تهیه و توزیع سوخت زمستانی که در برخی موارد با فضولات حیوانی انجام می‌گرفت و همچنین ارتفاع پایین محله و کمبود آشکار باغات و فضای سبز، وضعیت مناسبی نداشت.

■ عوامل بالا بودن جمعیت

بخشی از تراکم جمعیت در محله پایین‌خیابان، چنان‌که پیشتر هم اشاره کرده‌ایم، مربوط به ورود زائران از دروازه پایین خیابان به مشهد و سکونت در



احتمالاً این محله، تا پیش از ساختن خیابان مشهد در دوره صفویه، به دو بخش تقسیم می‌شد. شیب شهر مشهد غربی - شرقی است؛ یعنی غرب این شهر نسبت به شرق آن ارتفاع بیشتری دارد. به همین دلیل، ارتفاع محله پایین‌خیابان از دیگر محلات مشهد کمتر است و اصلاً نام محله را هم از همین ارتفاع پایین‌ترش گرفته‌اند.

با درختانی که احیاناً در اطراف آن کاشته بودند، طراوت نسبی برخی مناطق محله را تأمین می‌کرد. پایین‌خیابان قدیم، شامل مسیر کوتاهی است که از حرم مطهر تا پنجره ادامه دارد و به احتمال زیاد، دروازه ورودی آن، در محل تقاطع این مسیر با پنجره قرار گرفته بود؛ مسیری که امتداد آن به مصلای قدیمی مشهد می‌رسد؛ جایی که در همین مجموعه رواق، یک بار مفصل درباره‌اش صحبت کردیم.

کاروانسراهای این منطقه بود. از سوی دیگر، به دلیل قرار گرفتن اراضی بسیار وسیع کشاورزی پشت دروازه پایین‌خیابان، تعداد زیادی از کشاورزان مشغول به کار در این مزارع، ساکن پایین‌خیابان می‌شدند و از آنجا که بخش مهمی از این اراضی موقوفه بود و احتمالاً بیشترین عرصه اراضی کشاورزی موقوفه در این منطقه تمرکز داشت، داروغه مزارع آستان قدس هم که مسئولیت بازرسی و انتظام امور را در این موقوفه‌ها

وصیت‌نامه باباحاجی‌ام را می‌خواندم. عجیب دستخط و جان‌نوشته‌اش را دوست دارم. اول بویش کردم. به خدا که بعد این همه سال، بوی کهنگی نمی‌داد. بوی برنج و عطر بازار رضا می‌داد. پدربزرگم عاشق امام رضا(ع) بود. همیشه نصیحتمان می‌کرد؛ بچه‌ها، امام رضایی باشید. ایشان دست‌گیر است. مهربان است. هر جا خسته شدید و کم آوردید توی دلتان یک یا امام رضا بگویید، خودشان به داد می‌رسند....

از وقتی عقل‌رس شدیم، فهمیدیم برای خانواده ما، پاییز از بقیه فصل‌ها خاص‌تر

بروند پاپوس آقا و وقتی برمی‌گشتند. حکمش کیسه‌های سردوخته‌ای بود که از زمین پایین باغ سوا می‌کردند. حکمش زیارت بود و عطر مشهدی و نخودچی کشمش و اشک‌های شاد همه‌مان با هم. می‌آید یک بار یکی از نوه‌ها گفت؛ شد بیست و هفت سال باباحاجی. چه باعش‌گیر شما دو نفر. اما بهتر نیست جای این همه کیسه و بذار و بردار، پول برنجارو ببرید واسه نذرتون. که باباحاجی فقط خندید. از آن خنده‌ها که هزار جمله جواب است. خدا بیامرز همه رفتگان را. دیروز داشتم

■ رقیه توسلی

از همکارم سؤال می‌کنم به نظرم خیرات توی پاییز بیشتره، نه؟ می‌خندد و می‌گوید از وقتی عقل‌رس شدیم، بارون‌دیل بسته‌شان به چشمان آمد. بی‌تابی «باباحاجی» برای کندن و رفتن و بی‌قراری‌های «ننه‌حاجی». می‌دیدیم چطور این وقت سال، خودشان را به آب و آتش می‌زنند کارها را جور دریاورند که از اتوبوس مشهد جا نمانند. فهمیدیم نذر متفاوتی دارند چون سر سوزنی دلشان اینجا نبود. پیش ما نبود. اصلاً پاییز، حکمش برای ما خنده‌های این دو نفر بود وقتی می‌خواستند

نیمکت زنده گی



مشهد ما را با خود می‌برد!

نیمکت زنده گی



